

مهرگان

مهرگان و آیین های مربوط به آن ژرف ترین ریشه ها را در خاک حاصلخیز اساطیر ایران باستان افشانده و دیرپا ترین پیوندها را با درخت برومند سرگذشت اقوام ایرانی برقرار کرده است. از آن زمان که به روایت اساطیر هند و آریایی، ایزد میترا به کمک «وارونا»ی هندو خون خدایگانی گاو صورت به نام «هوم» را که نگهبانی گیاهی به همین نام برعهده اش بود بر زمین ریخت. آوازه و خصلت این «مهرایزد» در اساطیر ایرانی طنین افکن گردید. گویند از خون «هوم» مادر گیاهی روید که بعدها به نام «مهر گیاه» یا «مهر گیا» شهرت یافت، و هم او سرسبزی و برکت فراوان به بار آورد و گیاهان و جانوران بسیاری از او در وجود آمدند و بالیدند. نیز گویند آیین گاوگشان در فرهنگ «مهرپرستی» رفته رفته - شاید به دلیل کم شدن تعداد گاو- جای خود را به گوسفندگشان داد. و این دگرگونی را در تبدیل عبارت «گاو سپنتا» (به معنی گاو مقدس) به واژه گوسپند مندرج می بینیم.



از نظر مفهومی نیز آیین مهرگان اعتبار تاریخی خویش را از شهرت «میترا» می گیرد که در میان هندوان- به ویژه طبقه برهمنان- جایگاه شامخی داشت و در کتاب مقدس ایشان «ریگ ودا» پاسدار راستی و پیمان شمرده شده است. در نوشتار زردشتیان، و از جمله در «مهریشت» نیز آثاری از این نقش تاریخی مهر بر جا مانده است. و این نکته در فرازی از آن کتاب از قول اهورامزدا آمده است که او مهر را همچون خود شایسته پرستش و ستایش می دانست. بعدها در دوران ساسانیان میترا و آیین مهرپرستی به سرزمین های غربی راه یافت، با مراسم و مناسک

محلّی و هلنی در آمیخت، و چهره دیگری به خود گرفت.
لژیون‌های رومی به هر خطه‌ای که گام نهادند معابدی برای پرستش میترا و
برگزاری آیین مهرگان بنا نهادند. و در اروپا رقابت چهارصد ساله‌ای میان آیین
میترا و مذهب مسیح در گرفت، که سرانجام با پیروزی کامل مسیحیت پایان
پذیرفت.

در ایران، با انقراض ساسانیان و ظهور اسلام بسیاری از یادها و یادواره‌های
مربوط به جشن‌های کهن از خاطره‌ها و حافظه‌ها محو شد و یا دگرگون گردید.
از مهرگان، اما، نشان‌هایی در متون فارسی دوران اسلامی باقی است که
«مروج الذهب» مسعودی و «آثارالباقیه» بیرونی از مهم‌ترین آن متون است.
بیرونی در کتاب خود چنین می‌آورد:

... گویند مهر، که اسم خورشید است، در چنین روزی ظاهر شد. به
این مناسبت این روز را بدو منسوب کرده‌اند. پادشاهان در این جشن
تاجی که به شکل خورشید و در آن دایره‌ای مانند چرخ نصب بود به سر
می‌گذاشتند. گویند در این روز فریدون به بیوراسب، که ضحاک
خوانندش، دست یافت. چون در چنین روزی فرشتگان از آسمان به
یاری فریدون فرود آمدند، به یاد آن در جشن مهرگان در سرای پادشاهان
مرد دلیری می‌گماشتند که بامدادان به آواز بلند ندا در می‌داد: «ای
فرشتگان! به سوی دنیا بشتابید و جهان را از گزند اهریمنان برهانید.»
و گویند خداوند در این روز زمین را بگسترانید و در اجساد روان
بدمانید. و در این روز کره ماه، که تا آن روز گوی تاریکی بود، از
خورشید روشنایی و نور کسب نمود.

از سلمان فارسی نقل شده است که او گفت: «ما در زمان ساسانیان
قائل بودیم از آن که خداوند یاقوت را در روز نوروز از برای زینت
مردمان بیافرید و زبرجد را در روز مهرجان. و این دو روز را بر سایر
ایام سال فضیلت داد، چنان که یاقوت و زبرجد را بر سایر جواهرات.
در آخرین روز این جشن که بیست و یکم ماه باشد، فریدون ضحاک را
در کوه دباوند به زندان انداخت و خلائق را از گزند او برهانید.
لاجرم در این روز عید گرفتند، و آفریدون مردم را امر کرد که گشتی به
میان بندند و واج زمزمه کنند و در هنگام خوردن و آشامیدن لب از
سخن فرو بندند. چون مدت استیلای ضحاک هزار سال طول کشید و
ایرانیان خود مشاهده کردند که ممکن است عمر انسان این همه طولانی

گردد، از این روز به بعد دعای خیرشان در حق یکدیگر چنین بود:
«هزار سال بزی!»*

چنانکه از روایت بیرونی می‌توان دریافت، ایرانیان در نسل‌های متمادی افسانه بر افسانه افزوده و روایت‌ها پرداخته‌اند تا چهره مهر را در حافظه قومی خویش نگاشته نگاه دارند. از این قرار مهرگان، گذشته از ریشه‌های طبیعی و تقویمی، منشأ اثرات اجتماعی نیز بوده، بدین معنا که مثلاً جشن میثاق و پیمان میان خانواده‌ها و دودمان‌ها و عشایر و ایلات و نژادهای گوناگون نیز به شمار می‌رفته است. ایرانیان در خلال سده‌های بسیار به مهر سوگندها خورده‌اند و کلام مهرآمیز را پاس داشته‌اند، مهر ورزیده‌اند و از مهر داد خواسته‌اند. بر نوعروسان خویش مهریه گذاشته‌اند تا ایزد مهر پیوند دهنده دل‌ها باشد. زنان برگی از مهر گیاه را که در اساطیر هند و ایرانی ریشه‌ای به شکل هیکل آدمی داشته به خود می‌آویخته‌اند تا در چشم شوهران شان عزیز گردند، در مراسم عقد و عروسی از آن نوعی شیرینی ساخته و به عروس و داماد خورانده‌اند. هنوز هم در گیلان و مازندران مراسم درختکاری به مناسبت پیوند زناشویی بخشی از آیین‌های محلی است، بدین معنا که عروس و داماد به کمک هم در گوشه‌ای از حیاط خانه خود گیاهی می‌کارند و آن را نظیره پیوند خویش می‌شمارند. هنوز هم دامداران سنگسری در مهرگان انباشت دستمزد شبانان را با افزوده‌ای از آذوقه‌های سبک وزن در کولبار ایشان می‌گذارند تا از ایشان قدرشناسی کرده باشند. هنوز هم در غرب ایران، در میان عشایر گورانی و قلخانی کوهپایه‌های دالاهو زنان در کنار دیگ‌های خوراکی که بار گذاشته‌اند بر روی ساروج‌های آهنی نان می‌پزند و به زائرنی که در این فصل به زیارت قدمگاه روستای جاماز می‌روند «زیارت قبول» و «عبادت قبول» می‌گویند. آری مهر هنوز مهر است و ایران هنوز ایران، و چنین باد!

و ما که امروز به میانه دهکده جهانی رها شده ایم دست کم می‌توانیم از مهرگان مفهوم ناب مهر را بیاموزیم، نفرت فروشان را از خود برانیم، و مهربانی را بر همگان - از غریبه و آشنا تا دوست و دشمن امروز و دیروز تاریخی خویش - پیشکش کنیم. مهرگان آن گاه کمال ایرانی خود را باز خواهد یافت که پدیده‌ای جهانی گردد. و چنین باد و چنین تر باد!

* ابوریحان بیرونی.

آثار الباقیه عن القرون الخالیة. به اهتمام زاخو. لایپزیک ۱۹۲۳ - صص ۲۴-۲۲۲ (به نقل از یشته‌ها، گزارش پورداود،

جلد اول تهران ۱۳۵۶، صص ۲۹۷-۳۰۰.